

شوستر و سلسله جلیله شیخ شوشتری

دکتر سید جعفر حمیدی

دانشگاه شهیدبهشتی

چکیده:

شهر شوشتر، همواره، از همان دوره ساسانی، از شهرهای مهم ایران محسوب می شده و در طول تاریخ چهره های درخشانی در عالم علم و اندیشه و فقه و... از آن سربر آورده اند. از جمله این بزرگان، عالم نامی، علی بن حسین نجّار، بود که در قرن یازدهم می زیست و بعدها فرزندان و احفاد او در علم و زهد به مراتب والایی رسیدند. و از آن جمله، مرحوم شیخ جعفر شوشتری جامع جمیع علوم فقهی و شرعی زمان خود و از مشاهیر بزرگ عالم تشیع به شمار می روند. در این مقاله، با اشاره ای به پیشینه تاریخی شهر شوشتر و معرفی برخی از بزرگان و عالمان آن دیار، سلسله جلیله شیخ شوشتری - تا به امروز - معرفی می گردد.

واژگان کلیدی: شوشتر، جندیشاپور، علی بن حسین نجّار، شیخ جعفر شوشتری، دکتر

محمد علی شیخ.

شهر شوشتر را با دو چهره می شناسیم: کهن و معاصر؛ چهره کهن شوشتر را در حله ای از ابریشم علوم؛ شامل: طب و نجوم و کشاورزی و آبیاری و معماری، و چهره جدید را در بافته هایی از زر ناب تفکر و اندیشه و معرفت؛ به ویژه، در صد ساله اخیر، که سیلانی از شعر و حکمت و فقه و حدیث و کلام و منطق و فلسفه و انوار گسترده علم و حلم و

حقیقت و عرفان بر این سرزمین جریان داشته است.

سلسله ساسانی، بنا به مقتضیات محیطی و نزدیکی این منطقه به مرزهای غربی ایران و هم‌جواری با پایتخت (تیسفون)، دانشگاه عظیم جندی‌شاپور را بنا گذاشت تا واسطه‌ای باشد جهت جذب دانشمندان و اطبای بزرگ جهان آن روز به این نواحی. به گفته مورخان، شهر جندی‌شاپور، پیش از عصر ساسانی، توسط ساکنان آریائی ساخته شده و نام آن جنتاشپورتا (به معنی: باغ زیبا) بوده است. در زمان شاپور اول ساسانی و پس از غلبه بر والرین، امپراطور روم، این شهر تجدید بنا شد و برای اولین بار در این شهر طب بقراطی تدریس گردید (الگود، ص ۶۶). شاپور، نام آنجا را به وه از اندیوشاپور (به معنی: بهتر از انطاکیه شاپور؛ یا شهر شاپور بهتر از انطاکیه) تبدیل نمود. نام قدیم و نام جدید با هم تقارن داشتند و سرانجام به گندی‌شاپور، و در زبان اعراب به جندی‌شاپور، مبدل شد و بر اثر توجه این پادشاه به صورت شهر عمده این منطقه درآمد و مرکز مهم صنایع عطرسازی و نساجی شد و یک کارخانه سلطنتی در آن تأسیس گردید (الگود، ص ۶۷). شاپور دوم (ذوالاکتاف) (۳۰۹-۳۷۹ م) این شهر را توسعه داد و دانشگاه بزرگ جندی‌شاپور را بنا نهاد. پزشکان یونانی زیر نظر تئودوسیوس، یا تئودوروس، که مورد احترام فراوان شاپور بود، این دانشکده را اداره می‌کردند. در زمان سلطنت و اقتدار انوشیروان (جل ۵۳۱ ف ۵۷۹ م) اعتبار و اعتلای دانشگاه به جایی رسید که هفت حکیم یونانی برای بازدید از این دانشگاه و ملاقات با انوشیروان راهی ایران شدند. این دانشگاه تا زمان ورود اعراب به ایران نیز در اوج اعتلا و افتخار بود. در ۶۳۶ م شهر جندی‌شاپور به دست سپاهیان اسلام گشوده شد و از آسیب در امان ماند. این شهر در سراسر دنیای اسلام بزرگترین مرکز تعلیم پزشکی بود، اما پس از گسترش و توسعه بغداد در زمان خلفای عباسی به تدریج اهمیت خود را از دست داد. در تاریخ بعد از اسلام نیز به نام پزشکان و قاضیان برخورد می‌کنیم که ایرانی بوده و در این شهر می‌زیسته‌اند.

هم زمان با رونق جندی‌شاپور، اعتبار و درخشش شوستر نیز مورد علاقه پادشاهان

ساسانی - به ویژه شاپور - بود. شاپور اول در دومین جنگ خود با رومیان، آنان را شکست داد و امپراتور سالخورده روم، والرینوس، در جنگ شکست خورد و اسیر شد. رومیان به دستور شاپور بر روی رود شوشتر - که شاخه‌ای از کارون است - سد معروفی بنا کردند و چون والرینوس در اسارت بیمار شد و درگذشت، این سد به نام بندقیصر شهرت یافت؛ که همان سد شادروان یا سد شوشتر در کنار پل قدیم شوشتر است. بندر میزان نیز - که آب کارون جاری در شوشتر را به نسبت مساوی تقسیم می‌کند - از ساخته‌های همین زمان است. در عصر شاپور اول و شاپور دوم و اردشیر، خوزستان مرکز عمده کشاورزی بود.

پارچه‌های ابریشمی و دیبای شوشتر که در کارگاه‌های همین شهر بافته می‌شد، زبانزد خاص و عام بوده و به تمام نقاط جهان فرستاده می‌شد و کارگاه‌های حریربافی و دیبافایی حتی بعد از اسلام نیز با رونق بسیار به کار خود ادامه دادند و پیرآهن کعبه در شوشتر بافته می‌شد. شهر شوشتر، هم قبل از اسلام و هم بعد از آن، از مراکز مهم کشاورزی و آبیاری و پارچه‌بافی و نیز از اقمار پزشکی جندی‌شاپور بوده است و نام بسیاری از پزشکانی که در این شهر خدمت می‌کرده‌اند، در تاریخ ثبت است؛ از جمله: ابو عبد الرحمن بن علی بن مرزبان (ف ۱۰۰۵ م) که هم در قوانین شرعی و هم در طب سرآمد بود. وی ابتدا در شوشتر به قضاوت و طبابت می‌پرداخت و سپس به بیمارستان عضدی بغداد دعوت شد و یکی از دانشمندانی است که در تواریخ پزشکی از شهرت بسیار برخوردار است. (الگود، ص ۱۹۰)

در قرون بعدی اسلامی نیز شهر شوشتر از اعتبار علمی و فرهنگی شایسته‌ای برخوردار بوده است. در تاریخ بعد از اسلام، شوشتر به نام کسانی مانند شیخ مرتضی انصاری بن محمد امیر شوشتری (ت ۱۲۱۴ دزفول ف ۱۲۸۱ ق نجف) و قاضی نورالله شوشتری بن سید شریف الدین (ت ۹۵۶ هـ ق شوشتر. مقتول ۱۰۱۹ هـ ق لاهور) برمی‌خوریم؛ که نامشان مانند خورشید بر تارک جهان شیعہ می‌درخشید. علماء،

فضلا و شاعران بسیار از شوشتر برخاسته‌اند، از جمله: ابوالمعالی شوشتری، شوقی، شهاب، شباب، دژی، رضی، فیض، اقدس، ناظم، دبّاس و تقی‌الدین شوشتری. (خیامپور، ج ۱)

قرن یازدهم ه‍.ق را می‌توان قرن شکوفائی علمی منطقه شوشتر به حساب آورد. در این قرن علی‌بن حسین نجّار، از علمای نامدار زمان خویش، می‌زیست و بعدها فرزندان و احفاد او در علم و زهد به مراتبی والا از کمال رسیدند. علی‌بن حسین در نجف اشرف متولد شد، در همانجا به درس و تحصیل پرداخت و، پس از کسب کمالات و اجازة اجتهاد، به اصفهان رفت و محضرش مأمن اهل علم و کمال بود. پس از وفات جنازة وی را به نجف اشرف منتقل نمودند. علی‌بن حسین دارای سه فرزند بود: ملا علی، ملا معصوم و ملا محمد؛ که هر سه از شاگردان مبرز و زبده سید نورالدین و سید نعمت‌الله جزایری بودند. از ملا محمد، خاندان شریف محلاتی و از ملا علی، خاندان بنی نجّار به مقامات علمی رسیدند. ملا علی بن حسین از دانشمندان بنام و از فضلاء صاحب مقام عصر خود بوده و آثار فراوانی، از جمله: کتاب مشهور تفسیر سورة یوسف^(۱) و شرح نصاب الصبیان از اوست. (محدث، ص ۶) نواده ملا علی، یعنی حسین بن علی، که متولد کربلا و مقیم این شهر بود، یازده فرزند داشت که همه اهل علم و دانش و فضل و کمال بودند. از میان فرزندان شیخ حسین، فقیه نامدار و عالم پرهیزگار، مرحوم شیخ جعفر شوشتری (ره)، جامع جمیع علوم فقیهه و شرعیة زمان خود بود.

شیخ جعفر شوشتری:

مرحوم شیخ جعفر شوشتری، که از اجلّه مشاهیر علمای شیعه است، در ۱۲۲۰ ه‍.ق در شهر دانش پرور شوشتر دیده به جهان گشود و پس از طی تحصیلات مقدماتی در این شهر، عازم نجف اشرف شد و در محضر درس سید عبدالله شیر تلمذ نمود و، در محضر شیخ اسماعیل کاظمی، شرح مختصر عضدی را فرا گرفت. در ۱۲۴۶ ه‍.ق، به شوشتر بازگشت و پس از مدتی توقف و ارشاد به کربلا مراجعت نمود. وی در این سفر، در کربلا و نجف،

نزد صاحب فصول، صاحب ضوابط، صاحب جواهر، شیخ مرتضی انصاری و شریف العلمای مازندرانی درس خواند و در موعظه و ارشاد به کمال رسید. در ۱۲۵۵ هـ مجدداً به شوشتر مراجعت نمود و منزل و حسینیه اش محل تجمع و آمد و شد مشتاقان و دوستان وی شد. در شوشتر، علاوه بر تعمیر مساجد و مشاهد و احداث ابنیه و آثار خیر، به تشویق شعرا و فضلا نیز می پرداخت. ملاعباس شهاب شوشتری (ف رمضان ۱۳۲۴ هـ) از تربیت یافتگان آن شیخ بزرگوار است. شهاب شاعر عارف و سخنسرای سرشناس شوشتر بوده که تخلص خود (شهاب) را از شیخ دریافت داشته است و شهاب در اغلب قصاید خود آن جناب را مدح نموده است. (شهاب شوشتری، مقدمه)

از جمله امور خیریه دیگر شیخ جعفر شوشتری، تعمیر گنبد مخروطی شکل آرامگاه دانیال نبی در شوش است. دانیال نبی از جمله انبیای بنی اسرائیل بوده که در حملهٔ بخت النصر، یا نبوکد نصر دوم (۶۰۴-۵۶۲ ق.م)، پادشاه آشور، در حملهٔ سال ۵۸۶ ق.م به اورشلیم و ویرانی معبد قدس، همراه با سه نفر دیگر از انبیای بنی اسرائیل (خنیا، میشائیل و غریا) و هشتاد هزار یهودی، به اسارت، به بابل، پایتخت آشور برده شد، اما، بر اثر لیاقت، مورد توجه بخت النصر واقع شد و چندبار خواب پادشاه (بخت النصر) را موفقیت آمیز تعبیر کرد و به حکومت شهر بابل رسید. زمانی که کوروش، پادشاه هخامنشی، بابل را گشود و اسرای یهود را آزاد نمود، دانیال مورد توجه کوروش قرار گرفت و به ایران آمد و در زمان داریوش هخامنشی به وزارت این پادشاه رسید. در سفری که دانیال به دستور داریوش برای بازدید و زیارت معبد مقدس - که به تازگی و به فرمان کوروش مرمت شده بود - می رفت، در محل فعلی آرامگاه - که با پایتخت (شوش) چندان فاصله ای نداشت - درگذشت و در همان محل دفن شد؛ البته، مورخان گفته اند که محل دفن دانیال در شوش بوده و در اوایل ورود مسلمانان به شوش و شوشتر جنازهٔ وی جهت دفن به کنار رود شاوور منتقل شد. (حمیدی، خوزستان، شکرستان و استعدادهای الهی)

گنبد مخروطی شکل مقبره دانیال - که از مجموع ۲۶ متوازی الاضلاع ترتیب یافته - در ۱۲۸۷ هـ به دستور مرحوم حاج شیخ جعفر شوشتری و توسط استاد حاج ملا حسن معمار (ف ۱۳۲۶ هـ) تجدید بنا و تعمیر شده است. بعدها فرزند ملاحسن معمار، استاد جواد معمار، در ۱۳۳۰ هـ دو گلدسته در دو طرف گنبد بنا شد.

از حاج شیخ جعفر شوشتری آثار و نوشته‌های فراوان بر جای مانده؛ که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: اصول‌الدین یا الحدایق فی الاصول، مجالس البکاء، خصایص الحسینیه، و منهج الرشاد.

شیخ، در زمانی که مقیم نجف بود، یک‌بار جهت زیارت مشهدالرضا (ع) به ایران آمد و در تهران مورد احترام و تکریم ناصرالدین‌شاه قاجار قرار گرفت و امامت مسجد ناصری (مسجد عالی سپهسالار) برای مدت توقف شیخ به عهده او واگذار شد. در هنگام بازگشت از ایران، در ۲۸ صفر ۱۳۰۳ هـ در شهر کوند (از توابع کرمانشاه) به رحمت ایزدی پیوست و دل‌های دوستداران و پیروان خود را داغدار ساخت. جنازه شیخ به نجف اشرف منتقل و به خاک سپرده شد.

شیخ محمدعلی شوشتری:

شیخ محمدعلی، فرزند شیخ جعفر شوشتری، نیز از اجله علمای عصر خویش بود؛ که مانند پدر به تأسیس و تعمیر ابنیه و مشاهد متبرکه و نواخت شعرا و فضلا علاقه داشت. شفقت و تعهد و تفقد شیخ، پس از پدر خود، به شباب، شاعر شوشتری، قابل توجه و تأمل است. این بزرگوار، در ۱۳۲۱ هـ در شوشتر درگذشت و در مقام شریف حضرت صاحب‌الزمان (عج) دفن گردید.

شیخ محمدکاظم شوشتری:

فرزند آن مرحوم (شیخ محمدعلی)، جناب شیخ محمدکاظم (ره)، نیز از مجتهدین طراز

اول و مرجع تقلید مردم خوزستان بوده‌اند. شیخ محمدکاظم، علاوه بر مقام علمی و روحانی، از نظر سیاسی هم مقامی والا و شایسته داشته و پیوسته مردم را علیه ظلم و ستم حکام روزگار خویش فرا می‌خوانده است؛ به‌طوری که بارها مورد ایذاء و تبعید قرار گرفته است. مخالفت‌های او با حضور اجانب در کشور - مخصوصاً انگلیسی‌ها - زبانزد همگان است. آثار فراوانی از ایشان برجای مانده؛ که فقط رسالهٔ عملیهٔ منتخب‌المنتخب به چاپ رسیده است. وفات وی، در ۱۳۷۱ هـ، در شوشتر روی داده و در حسینهٔ جدش، حاج شیخ جعفر شوشتری، مدفون است.

شیخ محمدتقی شوشتری:

علامه شیخ محمدتقی شوشتری، فرزند حاج شیخ محمدکاظم شوشتری، در روز سه‌شنبه هفتم اسد (مرداد ماه) ۱۳۸۱ ش / ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ هـ / ۲۹ اوت ۱۹۰۲ م، در شهر نجف اشرف، تولد یافت و تا سن هفت سالگی در آن شهر زیست و قرآن و حدیث و ترسل را آموخت. در ۱۳۲۷ هـ مرحوم والدشان (حاج شیخ محمدکاظم) پس از اخذ درجهٔ اجتهاد به شوشتر مراجعت نمود و چندی بعد نیز شیخ محمدتقی به همراه والده و دایی خود به شوشتر رفت و در این شهر به کسب علوم و توسعهٔ دانش خود پرداخت و در نزد علمایی؛ از جمله: سیدحسن نوری و سیدمهدی آل طیب - که از شاگردان قدیمی پدرش بودند - و همچنین در نزد سیدعلی اصغر حکیم و سیدمحمدعلی امام و نیز در محضر پرفیض والدش تلمذ و در هفده سالگی به درجهٔ اجتهاد رسید. او همیشه در درس و بحث و تدقیق حتی از استادان خود فزونی و برتری داشت و هوش سرشارش موجب شگفتی استادانش می‌شد. در ۱۳۱۴ ش / ۱۳۵۴ هـ به دنبال حوادث و رویدادهایی که در ایران به وقوع پیوست، ناچار به عزیمت از ایران شد و با توجه به مشکلات موجود آن زمان و بازحمت فراوان خود را به عتبات عالیات رساند و همراه با خانواده مدت شش سال در کربلای معلی زندگی کرد و از همین زمان بود که تألیف

کتاب بزرگ قاموس الرجال را آغاز نمود. در ۱۳۲۱ ش / ۱۳۶ هـ، پس از تغییر اوضاع ایران به شوشتر مراجعت و از آن زمان به تألیف کتب و مقالات و توسعه اطلاعات خود اقدام نمود. در نوزدهم محرم الحرام ۱۳۶۹ هـ، از علامه شیخ آقابزرگ تهرانی، مؤلف کتاب الذریعه، اجازه نقل حدیث کسب نمودند و خود مرحوم شیخ نیز اجازه نقل روایت به مرحوم آیه العظمی مرعشی نجفی و بسیاری از حجج اسلام و اشخاص صادر نموده‌اند. مرحوم شیخ محمد تقی شوشتری، تا اواخر عمر، و تا زمانی که از سلامت جسمانی برخوردار بود، در شوشتر به تألیف و تفحص و اقامه جماعت و وعظ و ارشاد پرداخت و در کمال زهد و تقوی و بی‌نیازی و بی‌ادعائی در شهر خویش زیست و به خدمت به فرهنگ و دانش اسلامی و جهان تشیع مشغول بود و هیچ‌گاه مقام و ثروتی نپذیرفت و آنچه را که از راه علم و تألیف کتب کسب می‌کرد، در راه بینوایان و درماندگان صرف می‌کرد. آثار آن بزرگوار عبارتند از: قاموس الرجال در ۱۴ مجلد؛ که از بزرگ‌ترین کتب رجال در تحقیق رِوَاة و محدثان شیعه می‌باشد. مؤلف بیش از پنجاه سال از عمر شریف خود را صرف نوشتن این کتاب نموده‌اند. این کتاب از لحاظ صحت و دقت در نوع خود بی‌نظیر است و طبق اظهار نظر بسیاری از علما و صاحب نظران این کتاب معجزه‌ای در علم رجال است؛ چنانچه محدث شوشتری می‌گوید: "شیخ محمد تقی شوشتری اکنون سرآمد علمای اسلام در علم حدیث و رجال است و در این دو علم گوی سبقت را از دیگران ربوده است بلکه او را پیغمبر علم رجال باید گفت و معجزه‌اش قاموس الرجال است." (محدث شوشتری، ص ۷۶) کتاب‌های دیگر استاد عبارتند از:

قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع)؛ که تاکنون بیش از شصت بار به چاپ رسیده و توسط آقای دکتر محمدعلی شیخ، فرزند برومند شیخ شوشتری، به فارسی ترجمه شده است؛

نهج الصبّاه فی شرح نهج البلاغه؛ که شرح موضوعی نهج البلاغه می‌باشد و شصت

فصل دارد؛

النجعة فی شرح اللمتعة؛ که شرحی است بر کتاب لُمتعة شهید اول، ابو عبدالله شمس الدین محمد بن مکی دمشقی (مقت ۷۸۶ ه.ق). استاد کتاب لمعه دمشقیه را در نه جلد شرح کرده است؛

الاخبار الذخیله؛ در چهار مجلد است و در ۱۳۷۱ به عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی انتخاب و برنده جایزه شد؛

الأربعون حدیثاً؛ این کتاب شرح چهل حدیث شریف است درباره ائمه معصومین علیهم السلام و فضائل و معجزات ایشان و سایر مسائل فقهی؛ و:

الاوائل، البدایع، رساله فی تواریخ النبی و آله، رساله المبصرة فی احوال البصیریه، آیات بینات فی حقیقه بعض المنامات و بسیاری مقالات و رسالات عربی و فارسی دیگر. (محدث شوشتری، ستاره درخشان شوشتر)

حضرت شیخ محمد تقی شوشتری پس از عمری تحقیق و تألیف و افاضه و اشاعه علم در روز جمعه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۷۴ به دنبال کسالت طولانی به رحمت ایزدی پیوست و در روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ۷۴ در میان موجی از اندوه مردم عزادار و سیاه پوش شوشتر و شهرها و روستاهای مجاور و استانهای مختلف - به ویژه استان خوزستان - و با حضور بسیاری از علما و شخصیت های دولتی، علمی - دانشگاهی و حوزوی و با همراهی دسته های بسیار سینه زنی و نوحه خوانی و علم و کتل تشیع در کنار روضه سید محمد گلایی شوشتر به خاک سپرده شد؛

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام [او]

محمد علی شیخ:

دکتر محمد علی شیخ، فرزند شیخ محمد تقی شیخ شوشتری، در ۱۳۰۸ ش در شوشتر تولد یافته است. تحصیلات اولیه را در محضر پدر و در مدارس شوشتر گذراند و

تحصیلات حوزوی و دانشگاهی را با موفقیت به پایان رساند و در دانشگاه تهران درجه دکترای فلسفه را اخذ کرد. خدمات فرهنگی را در اهواز، لاهیجان و تهران انجام داده و سال‌ها است که عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی و استاد فلسفه می‌باشند. از ۱۳۶۸ ش به مدت ۱۲ سال ریاست دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی را به عهده داشتند و اینک دوره دوم نمایندگی مردم شوشتر و گتوند را در مجلس ششم شورای اسلامی می‌گذرانند.

از دکتر محمدعلی شیخ مقالات، رسالات و کتب فراوان چاپ و انتشار یافته؛ که اهم آن‌ها به قرار ذیل است:

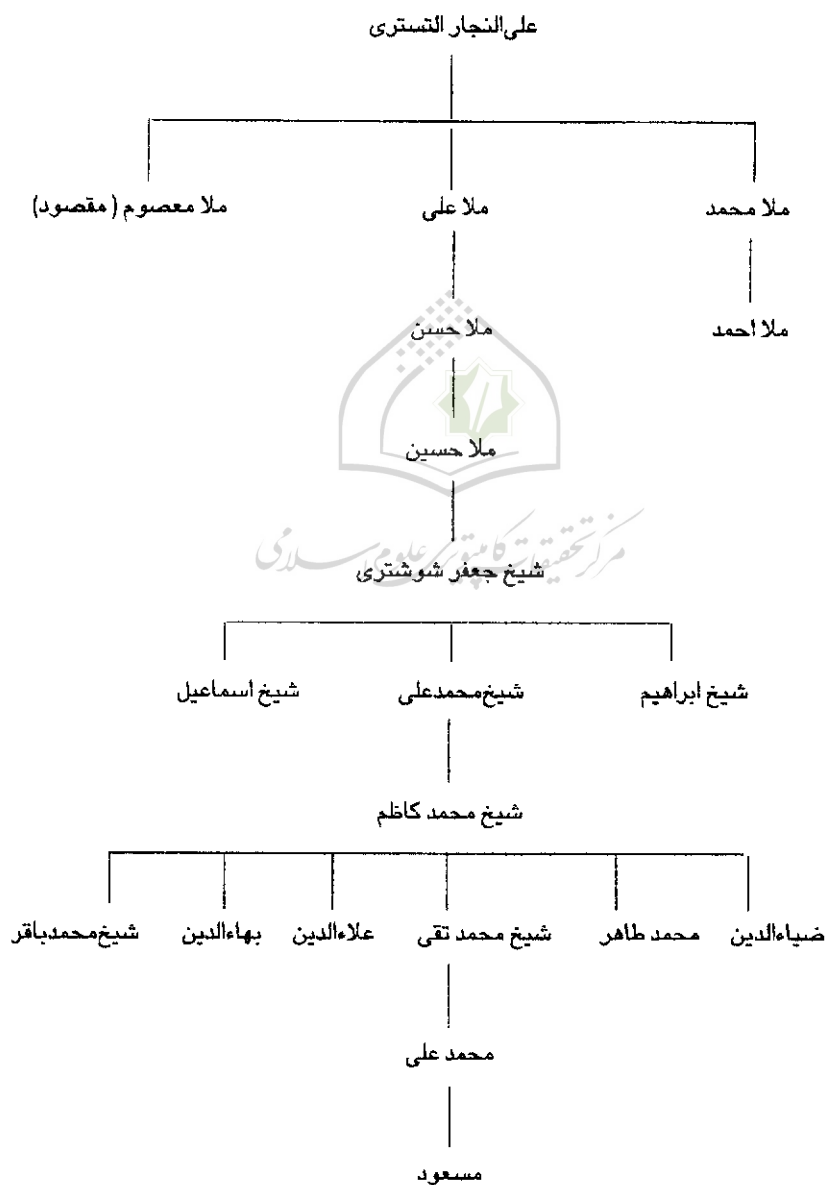
- ۱- پژوهشی در اندیشه‌های ابن خلدون؛ که تاکنون به چاپ سوم رسیده است؛
 - ۲- برداشت و گزیده‌ای از مقدمه ابن خلدون (سه چاپ)؛
 - ۳- مبانی فلسفه اشراق از دیدگاه سهروردی؛
 - ۴- النصوص التاريخية (سه چاپ)؛
 - ۵- ترجمه کتاب قضاء امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام؛ که اصل آن عربی و از افاضات والد بزرگوارشان می‌باشد. این کتاب به نام قضاوت‌های امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) تاکنون به بیش از شصت چاپ رسیده است؛
 - ۶- ای فرزند؛ که ترجمه‌ای است از کتاب ایها الولد تألیف امام ابو حامد محمد غزالی طوسی؛ که در ضمیمه ماهنامه وزارت آموزش و پرورش به چاپ رسیده است.
- تنها فرزند ذکور دکتر محمدعلی شیخ، یعنی شهید مسعود شیخ، در جبهه‌های حق علیه باطل به درجه رفیع شهادت رسیدند.

توضیحات:

- ۱- تفسیر سوره یوسف توسط میرهاشم محدث از روی دو نسخه خطی، یکی متعلق به پدر مصحح، دکتر سید جلال‌الدین محدث ارموی، و دیگری متعلق به آقای دکتر

به پدر مصحح، دکتر سید جلال الدین محدث ارموی، و دیگری متعلق به آقای دکتر محمد علی شیخ و به خط والدشان، شیخ محمد تقی شیخ شوشتری، انجام گرفته است.

۲- شجره خاندان شوشتری:



منابع و مآخذ:

الگود، سیریل. تاریخ پزشکی در ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی. ترجمه دکتر باهر فرقانی. تهران: امیرکبیر، ۲۵۳۶.

حمیدی، سیدجعفر. "خوزستان؛ شکرستان و استعدادهای الهی". مجله ایرانشناسی. (شماره ۲، ۱۳۷۱).
خیامپور، عبدالرسول. فرهنگ سخنوران، ج ۲، تهران: طایه، ۱۳۶۸.

شباب شوشتری. کلیات. بمبئی، ۱۳۱۲ هـ.

محدث شوشتری، علی اکبر. ستاره درخشان شوشتر (در حالات علامه حاج شیخ محمدتقی شوشتری). قم: انتشارات قیام، [بی تا].

محدث، میرهاشم. تفسیر سوره یوسف. به اهتمام علی بن علی نجار شوشتری. تهران: صدوق، ۱۳۷۳.